بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 11 بهمن 1394.

11/ 11/ 94 بحث نهائی راجع به محمد بن مروان

بحث نهائی راجع به محمد بن مروان

نتیجه بحث های دو جلسه قبل به این صورت بود که محمد بن مروان مطلقی که از امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) بی واسطه یا با یک واسطه نقل می کنند ممکن است دو نفر باشد. محمد بن مروان سدی و محمد بن مروان ذهلی بصری.

کلام آقای خوئی در مورد تعیین محمد بن مروان

مرحوم آقای خوئی در ذیل بحث محمد بن مروان، روایتی از کامل الزیارات که راوی آن از محمد بن مروان، صباح الحذاء است را نقل می کنند و بعد در ذیل آن می فرمایند که مراد از محمد بن مروان در این سند، محمد بن مروان ذهلی است. ایشان می فرماید: فإنه المعروف الذی له‌الکتاب و أما غیره من أصحاب الصادق ع ممن سمی بمحمد بن مروان، فلیس فیهم رجل معروف. [[1]](#footnote-1)

و ایشان شبیه این فرمایش را مکرر در جاهای دیگر ذکر می کنند و به صاحب کتاب بودن تمسک می کنند.

مناقشه در کلام آقای خوئی

ولی اشکالاتی در این استدلال وجود دارد که به ذکر سه اشکال اکتفا می کنیم.

**اشکال اول:** اینکه اگر شخصی صاحب کتاب باشد نفس صاحب کتاب بودن دلیل بر معروفیت نیست. بله گاهی اوقات معروف بودن بعضی کتابها، (مثل کافی و محاسن و نوادر الحکمه و کتب حسین بن سعید) باعث معروف شدن صاحبان این کتب می شود.

**اشکال دوم:** بر فرض اینکه صاحب کتاب بودن باعث شهرت راوی باشد این دلیل نمی شود که راوی دیگری که صاحب کتاب نیست مشهور نباشد به این علت که تنها راه شهرت راوی، صاحب کتاب بودن نیست بلکه عوامل دیگری باعث ایجاد شهرت می شود. به عنوان مثال اشخاصی مانند زراره و محمد بن مسلم، که در طبقه اول اصحاب اجماع، هستند. به خاطر کتاب هایشان معروفیت پیدا نکرده اند چه اینکه محمد بن مسلم به خاطر کتاب اربعمأئه (همان حدیث اربعمأه) شهرت پیدا نکرده است و زراره هم به جهت کتاب الاستطاعه شهرت پیدا نکرده است. بلکه این دو بزرگوار به جهت فقاهت، کثرت روایت، شاگردان و مشایخ شهرت پیدا کرده اند. و در بحث ما ممکن است محمد بن مروانی که صاحب کتاب نیست به جهاتی غیر از کتاب داشتن شهرت داشته باشد. و لذا انصراف محمد بن مروان مطلق به ذهلی صاحب کتاب، به این علت که محمد بن مروان سدی صاحب کتاب نیست صحیح نمی باشد.

**اشکال سوم:** اینکه همیشه عنوان مشترک منصرف به راوی مشهور باشد به صورت یک کبرای کلی صحیح نیست بلکه باید به عامل ایجاد اشتراک در اسناد توجه کرد.

عوامل ایجاد اشتراک در عناوین

عوامل بسیاری در ایجاد پدیده اشتراک در اسناد دخالت دارد، که به دو عامل آن به صورت مختصر اشاره می کنیم سپس در عنوان مورد بحث تطبیق می کنیم.

1-شهرت راوی یکی از عوامل ایجاد اشتراک و اطلاق عناوین است به عنوان مثال صاحب رساله عدیمه النظیر برای رفع اشتراک از عنوان ابوبصیر مطلق بعد از اثبات معروف بودن ابوبصیر اسدی، عنوان ابوبصیر مطلق را منصرف به او دانسته است.

2- اعتماد به اسناد قبل یکی دیگر از عوامل ایجاد اشتراک است. به عنوان مثال مرحوم کلینی در سندی فرموده: عده من اصحابنا عن احمد بن محمد. و می دانیم که در این طبقه دو نفر به نام احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن خالد وجود دارند اما وقتی به سند ماقبل (عده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد) نظر می کنیم می توانیم از این عنوان رفع اشتراک کنیم چون در آن سند مشخصه احمد ذکر شده است. در بحث محمد بن مروان بعد از اثبات انحصار شهرت در مورد محمد بن مروان ذهلی، باید اثبات کنیم عوامل دیگر در ایجاد اشتراک دخیل نبوده است.

اثبات کلام آقای خوئی

اما به نظر می رسد اصل ادعای مرحوم آقای خوئی صحیح می باشد و با انضمام یک مقدمه و چند قرینه می توان آن را ثابت کرد.

**اما مقدمه**: ظاهرا شهرت محمد بن مروانی که در اسناد زیادی وارد شده، باعث مطلق گذاشتن این عنوان شده است. به این علت که اسنادی که در آن ها محمد بن مروان با مشخصه سدی و یا ذهلی وارد شده است هیچگونه شباهتی از لحاظ ساختاری با اسنادی که در آن ها محمد بن مروان به صورت مطلق آمده ندارد در حالی که اگر علت مطلق گذاشتن، تکیه بر اسناد قبل بوده باشد باید شباهتی بین اسناد وجود داشته باشد. و اما این احتمال که تمام سندهای قبلی که به اعتماد آن ها، محمد بن مروان، مطلق گذاشته شده است از بین رفته باشد، احتمال مستبعد و خلاف قاعده ای است. فرض کنید که ابن مسکان عن محمد بن مروان عن ابی عبدالله نقل می کند. ولی ابن مسکان هیچ وقت در هیچ سندی از محمد بن مروان مطلق نقل نمی کند. البته یکی از اسناد محمد بن مروان ذهلی با محمد بن مروان مطلق شبیه است و آن هم سندی است که در تکثیر المطالب ص52 از ابان بن عثمان از محمد بن مروان ذهلی وارد شده است. و در حقیقت این مقدمه، جواب از اشکال سوم ما به مرحوم آقای خوئی است.

اما قرائن ذهلی بودن محمد بن مروان مطلق: در رساله ای که در این مورد تألیف کرده ایم، پنج قرینه برای تشخیص این محمد بن مروان ذکر کرده ایم که به چهار قرینه از آن اشاره کرده و به دلیل طولانی بودن قرینه پنجم از ذکر آن خودداری می کنیم.

**قرینه اول:** در رجال کشی عنوانی به نام محمد بن مروان بصری را ذکر کرده است و در ذیل آن از عیاشی و او هم از علی بن حسن بن فضال نقل می کند که: کان محمد بن مروان یسکن البصره و کان اصله الکوفی. عبارت این چنین است: «حکی العیاشی، عن علی بن الحسن بن فضال، قال: کان محمد بن مروان یسکن البصرة، و کان أصله الکوفة، و لیس هو الذی روی تفسیر الکلبی، ذلک یسمی محمد بن مروان السدی. و قال حمدویه: حدثنی بعض من رأیته، قال: محمد بن مروان من ولد أبی الأسود الدؤلی».

از این کلمات واضح است که محمد بن مروان مطلقی که در مورد او صحبت می کنند شخصی است که در اسناد ما وجود دارد و نباید او را با محمد بن مروان سدی که عامی است اشتباه گرفت. و با توجه به مشخصه ای که او را با آن تعریف می کنند یعنی یسکن البصره و کان اصله الکوفه و اینکه این مشخصات عین همان مشخصاتی هست که در رجال شیخ در شرح حال ذهلی بصری آمده لذا می توان اینگونه نتیجه گرفت که این شخص همان محمد بن مروان ذهلی است.

**قرینه دوم:** اینکه در هیچ جا به روایتی که محمد بن مروان سدی از امام صادق علیه السلام نقل کند برخورد نکردیم. یعنی هیچ یک از کتب رجال عامه و خاصه به روایت محمد بن مروان سدی از امام صادق (ع) تصریح نکرده اند. و از این جهت که محمد بن مروان سدی در میان عامه معروف بوده است. و شرح حال و راویان و مروی عنه و ویژگی ها و خصوصیاتش خیلی مفصل در کتب عامه هست. اگر از امام صادق (ع) روایت داشت علی القاعده باید آشکار می شد. این در حالیستکه محمد بن مروان مورد بحث ما اکثر روایت هایش از امام صادق (ع) است. البته چند مورد سدی هم که در بعضی اسناد از امام صادق(ع) روایت کرده اند بر فرض ثبوت آن ها به علت ندرت آن ها نمی توان عنوان مطلق را منصرف به آن دانست در حالیکه محمد بن مروان مورد بحث ما ده ها روایت از امام صادق(ع) دارد.

اشکالی که ممکن است در اینجا به ذهن خطور کند اینکه در مورد محمد بن مروان ذهلی هم همین اشکال وجود دارد چون عامه در مورد او روایت از امام صادق(ع) را ذکر نکرده اند.

اما در پاسخ باید گفت که بین این دو راوی در بین عامه فرق وجود دارد. سدی در میان عامه خیلی معروف بوده و کاملا شناخته شده بوده است اما در مورد ذهلی اطلاعات عامه خیلی کم است. و کل اطلاعاتشان یکی دو روایت در مورد پنج تن اهل کساء است. و مجموعا شخص معروفی در میان عامه نبوده است بنابراین اینکه از امام صادق علیه السلام روایت داشته باشد و عامه متوجه نشوند خیلی طبیعی است. البته در کتب ما ذهلی خیلی معروف است. از طرفی صاحب کتاب بوده است و در اکثر کتب رجالی ما ترجمه شده است وتاریخ ولادت و وفات برای او ذکر کرده اند. در رجال کشی، در مناقب ابن شهراشوب آن را جزو اصحاب امام باقر شمرده است. و ظاهرا محمد بن مروان بصری که در رجال برقی و رجال شیخ در اصحاب الباقر ذکر شده اند همین ذهلی است.

**قرینه سوم**: این است که ظاهرا محمد بن مروانی که از امام باقر(ع) نقل می کند همان محمد بن مروانی است که از امام صادق(ع) نقل می کند. و این ادعا از اشتراک رواتی که از محمد بن مروان از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل می کنند به دست می آید و وقتی محمد بن مروانی که از این دو امام نقل می کند یکی باشد، سدی نخواهد بود. به این علت که در جلسه گذشته گفته شد که محمد بن مروان سدی راوی از امام

باقر نیست و طبقه اش با این سازگار نیست. اما وفات ذهلی را 161 ذکر کرده اند. و عمرش را 83 سال ذکر کرده اند. و با این حساب ولادتش حدود سال 78 می شود و امام باقر (ع) هم در سال 114 به شهادت رسیده اند. لذا ذهلی در زمان شهادت امام باقر علیه السلام حدود 36 سال سن داشته است. و کاملا طبیعی است که از امام باقر(ع) روایت کند البته از این جهت که در زمان امام باقر(ع) سن زیادی نداشته، اکثر روایت هایش از امام صادق(ع) هست.

**قرینه چهارم**: که از جهت روشی خیلی مهم است، مقایسه طبقه محمد بن مروانی که از امام صادق علیه السلام نقل می کند با طبقه محمد بن مروان سدی است. در اسناد ما اکثر روایات محمد بن مروان از امام صادق است. و با توجه به نحوه روایت هایی که روات از محمد بن مروان نقل دارند، طبقه اش را می توان تشخیص داد. متوسط وفات راوی های محمد بن مروان سدی همانطور که در جلسه قبل گذشت، حدود سال230 است. اما محمد بن مروان مطلقی که از ابی عبدالله نقل می کند اکثر راوی هایش از اصحاب الصادق(ع) هستند. و اگر اصحاب الصادق علیه السلام به طور متعارف 40 یا 50 سال بعد از امام صادق زنده باشند وفتشان در حدود سال 190 می باشد و نهایت سال200 خواهد بود. و حماد بن عیسی معروف به غریق جحفه که به عنوان معمر از او یاد شده و به دعای حضرت 50 حج نصیبش شده در سال 207یا 208 از دنیا رفته است. غرض اینکه هیچ تناسبی بین متوسط سال وفات روایان از این دو راوی وجود ندارد و یک طبقه بین این دو نفر فاصله است. اسامی اصحاب امام صادق(ع) که از محمد بن مروان نقل می کنند به نقل از معجم رجال آقای خوئی به ترتیب ذیل است:

ابی جمیله مفضل بن صالح، (با تعبیر ابی جمیله یا مفضل بن صالح). ابن مسکان با این تعبیر یا با تعبیر عبدالله بن مسکان. ابان که همان ابان بن عثمان هست با هر دو تعبیر. جمیل بن دراج، جمیل بن صالح، حسن بن حماد، حسن بن عبدالله الرجانی، حکم بن مسکین، عمر بن ابی المقدام، خالد بن نافع البجلی، درست، سیف بن عمیره، علی بن شجره، عمران بن اسحاق زعفرانی، محمد بن سماعه، منصور بن یونس، یحیی بن عمران الحلبی[[2]](#footnote-2).

و در غیر از معجم رجال آقای خوئی بعد از فحص به این شکل است: عبدالله بن یحیی کاهلی، قاسم بن عروه، صباح الحذاء، ابو عبدالله الفرا، عبدالملک بن عتبه، ابن بکیر. مجموع این روات 23 نفر هستند. بنابراین محمد بن مروانی که در اسناد وجود دارد، تناسب دارد که اصحاب الصادق از او روایت کنند. و این مطلب با محمد بن مروان ذهلی سازگار است. محمد بن مروان ذهلی، سال وفات امام باقر علیه السلام 36 ساله بوده است، و لذا طبیعی است جوان های اصحاب امام صادق (ع) از او که از اصحاب امام باقر (ع) است روایت کنند. البته سن ذهلی نسبتا طولانی بوده است. 83 سال عمر نسبتا طولانی است. متعارف سن ها 70 سال هست. و ابن حجر در تقریب التهذیب، محمد بن مروان ذهلی را از طبقه سابعه ذکر کرده است و محمد بن مروان سدی را از طبقه ثامنه ذکر کرده است. (تقریب التهذیب، بر اساس طبقه بندی است از اصحاب پیغمبر شروع می کند، طبقه بندی مرحوم آقای بروجردی اصلش همین طبقه بندی ابن حجر در تقریب التهذیب هست که طبقه بندی شایعی در میان علما بوده است). بنابراین یکی از نکاتی که در روش تمییز مشترک مهم است تشخیص طبقه راوی مطلق در اسناد از طریق شاگردان است و سنجش آن با اطراف تردید و در بحث ما از این جهت

که طبقه سدی و ذهلی مختلف است و اطلاعات اسناد با ذهلی سازگار است بنابراین محمد بن مروان در اسناد ذهلی است.

بنابر این تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که محمد بن مروانی که از امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نقل می کند همان محمد بن مروان ذهلی بصری است.

اما محمد بن مروانی که از اصحاب الصادق(ع) یا اصحاب الباقر(ع) نقل روایت می کند. مقایسه اسناد محمد بن مروانی که از امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نقل می کند با اسناد محمد بن مروانی که با یک واسطه از این دو امام نقل می کنند، اقتضا می کند که این محمد بن مروان هم محمد بن مروان ذهلی باشد. از این جهت که راوی های مشترک زیادی دارند. و یک نکته ای وجود دارد که نشان می دهد محمد بن مروان، به طور کلی مراد ذهلی بصری است. و آن نکته این است که عمده این روایت های محمد بن مروان از فضیل بن یسار است. و با توجه به اینکه فضیل عالم برجسته بصره بوده است و دقیقا مثل محمد بن مروان ذهلی هر دو اصلشان کوفی بوده است که در بصره ساکن شده اند می توان گفت مراد ذهلی بصری است. علاوه بر آن که افراد اصیلی که در بصره بودند غالبا سنی ناصبی بوده اند.

و همچنین یکی از راوی های محمد بن مروان مطلق (ذهلی) هم ابان بن عثمان است. و ابان بن عثمان هم کوفی است که به بصره منتقل شده است و به طور معمول اشخاصی که از یک شهر به یک شهر غریب می آیند و ساکن می شوند و شهری که از جهت فرهنگی هم با فرهنگشان نا آشنا هستند غیر از بحث تشیع که این ها را به هم نزدیک می کند نزدیکی اصلشان که کوفه است به هر حال اینها را به هم نزدیک می کند. البته محمد بن مروان و لو از کبار اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است ولی به این علت که سن زیاد پیدا کرده است و حدود 13 سال بعد از وفات امام صادق زنده بوده است افراد طبقه های بعد هم او را درک کرده اند. افرادی مثل ابی عمیر و صفوان از او نقل کرده اند. البته غالب روایتشان با واسطه است. ولی روایت های مستقیم هم دارند. و در این طبقه جز دو روایت عبدالله بن مغیره از سدی روایت دیگری پیدا نشد. و در این دو روایت یکی به صورت صریح و دیگری به قرینه، مراد سدی است. در قصص الانبیاء این سند وجود دارد: (عبدالله بن مغیره عن محمد بن مروان عن ابی صالح عن ابن عباس) در این سند قطعا سقط رخ داده است. و بعد از محمد بن مروان یک محمد بن صائب کلبی باید افتاده باشد. چونکه این سند، سند متکرر محمد بن مروان سدی به ابن عباس است. و او تفسیر ابن عباس را از طریق محمد بن صائب کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل می کند. و این را باید گفت که بین عبدالله بن مغیره و صفوان و ابن ابی عمیر فرق است. از این جهت که صفوان و ابن ابی عمیر مقید بوده اند از مشایخ امامی نقل کنند. به خصوص ابن ابی عمیر به این مطلب تصریح هم می کند. ابن ابی عمیر می گوید من اول روایت های شیعه و سنی را نقل می کردم و دیدم که اصحاب ما قاطی کرده اند و گاهی اوقات روایت های شیعه را به سنی، و سنی را به شیعه نسبت داده اند و این سبب شد که من فقط روایت های شیعی نقل می کنم و حاج آقا هم در این لا یروی و لا یرسل الا عن ثقه، می فرمایند که مراد از ثقه در این عبارت هم به قرائن خارجی و هم به قرائن داخلی که در عبارت عدّه است مراد از ثقه امامی صدوق است. و از طرفی هیچ قرینه ای بر امامی بودن سدی پیدا نشد. و ظاهر این است که در میان عامه معروف است و عامه از او نقل می کنند و به عنوان رافضی معرفی نشده است. البته گرایشات شیعیانه دارد.

و در رساله ای که در مورد محمد بن مروان نوشته ام مجموع روایاتی که احتمال سدی بودن محمد بن مروان وجود دارد چهار پنج مورد است که فقط دو مورد آن که از عبدالله بن مغیره گذشت ثابت است و بقیه احتمالی است. علاوه بر اینکه احتمال تکیه بر اسناد قبل در مجموع این اسناد داده می شود. و در مورد عبدالله بن مغیره همانطور که گذشت سند مشابه وجود دارد.

بنابراین نتیجه این هست که محمد بن مروان در این طبقه منصرف هست به محمد بن مروان ذهلی. اما وثاقت یا عدم وثاقت محمد بن مروان ذهلی را فردا مورد بررسی قرار می دهیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. معجم ‏رجال‏الحديث ج : 17 ص : 218 [↑](#footnote-ref-1)
2. معجم‏رجال‏الحديث ج : 17 ص : 216 [↑](#footnote-ref-2)